

سخنرانی جنگ طلبانه بنیامین نتانیاہو در کنگره آمریکا

محمد سہیمی

حفظ ہژمانی اسرائیل در منطقه و جلوگیری از عادی شدن روابط بین ایران و آمریکا دو مسالہ اصلی آقای نتانیاہو و جناح تندرو اسرائیل است، نہ سلاح ہستہ‌ای کہ ایران ندارد، و حتی اگر داشتہ باشد، خطر حیاتی برای اسرائیل نخواہد بود

مقدمہ

سرانجام آقای بنیامین نتانیاہو، نخست وزیر اسرائیل، بدون دعوت پرزیدنت اوباما، ولی بہ دعوت جناح راست آمریکا، در کنگرہ آمریکا حضور یافت و در جلسہ مشترک مجلس نمایندگان و سنای آمریکا سخنرانی کرد. آش حضور ایشان در کنگرہ آنقدر شور بود کہ حتی آقای جو بایدن، معاون پرزیدنت اوباما و شخصی کہ بارہا اعلام کردہ است کہ یک مسیحی صہیونیست است، در سخنرانی بہ بہانہ‌ای حضور نیافت. شصت دمکرات، از جملہ نہ سناتور ہم در سخنرانی حضور نیافتند، و بسیاری از آنہا در پایان سخنرانی در بیرون محل سخنرانی بہ شدت از حضور آقای نتانیاہو انتقاد کردند. خانم ننسی پلوسی، رہبر دمکرات‌ها در مجلس نمایندگان آمریکا، نیز بہ شدت از سخنرانی انتقاد کرد.

البتہ کسی بہ آقای نتانیاہو نمیتواند ایراد بگیرد. آقای جان بینر، رئیس جمہوری‌خواہ مجلس نمایندگان با عملی نزدیک بہ خیانت از ایشان دعوت کرد تا در آنجا سخنرانی کند، و بر ضد پرزیدنت اوباما سخن گوید. آقای نتانیاہو ہم ہمیشہ معتقد بودہ است کہ "آمریکا چیزی است کہ بہ راحتی می‌توان آنرا بہ حرکت درآورد" و تحت تاثیر قرار داد. ایشان در زندگی دو رسالت دارد: ہمیشہ نخست وزیر اسرائیل باشد، و ہمیشہ بر ضد ایران فعالیت کند. با سخنرانی در کنگرہ، آقای نتانیاہو بقول امریکایی‌ها "با یک تیر دو پرندہ را [بخیال خود] میکشد"، ہم انتخاب مجدد، و ہم سعی در براہ انداختن جنگ بر ضد ایران.

سخنرانی آقای نتانیاہو، کہ متن کامل آن در این جا است، ہیچ نکتہ جدیدی نداشت. همان دروغ‌ها و اغراق‌های ہمیشگی بود، کہ قابل پیش بینی ہم بود. اگر شخصی برای سالہا ہر روز در بارہ یک مسالہ صحبت کند، واضح است کہ چیز جدیدی برای گفتن ندارد. ایشان مذاکرہ با جمہوری اسلامی را رد کردند، برای مردم ایران ضمن توهین بہ آنہا اشک تمساح ریختند، و ہیچ راہ حل واقعی را ارائه ندادند. راہ حل رویایی ایشان یا تسلیم کامل جمہوری اسلامی از نوع تسلیم لیبی و معمر قذافی است کہ برنامہ ہستہ‌ای لیبی را کاملاً لغو کرد و حتی وسائل و تجهیزات خریداری شدہ را بہ غرب داد، و بعد ہم بدست غرب گشتہ شد، و یا تشدید و ادامہ تحریم‌های اقتصادی بر ضد مردم ایران با این امید کہ در نہایت یا جمہوری اسلامی بدست مردم سرنگون شود، و یا با حملات نظامی سقوط کند. واضح است کہ جمہوری اسلامی تسلیم نخواہد شد، و بنا بر این آقای نتانیاہو خواہان جنگ است.

جنگ مطلوب آقای نتانیاہو جنگی است کہ توسط آمریکا بہ نیابت از طرف جناح افراطی اسرائیل انجام شود. یعنی ارتش آمریکا بجنگد، خون سربازان امریکائی ریختہ شود، و مخارج جنگ را نیز دولت و در نہایت مردم مالیات دہندہ آمریکا پرداخت کنند. این همان آقای نتانیاہو است کہ در سال ۲۰۰۲، در اوج بحث در بارہ حملہ بہ عراق در سنای آمریکا "تضمین کرد" کہ اگر رژیم صدام حسین توسط آمریکا

سرنگون شود، نتایج مثبتی برای خاور میانه خواهد داشت. نتایج "مثبت" حمله به عراق چیزی بجز کشته شدن صدها هزار نفر، ویرانی وحشتناک، جنگ‌های سکتاریستی، و البته خالی کردن خزانه آمریکا آنها در حالیکه زیر بنای آمریکا فرسوده شده و در حال فروریختن است، نبوده است.

هدف این مقاله تحلیل سخنان آقای نتانیا هو که در آن به ما ایرانیان با دروغ گویی در باره "[نفرت ۲۵۰۰](#)" [ساله ایرانیان از کلیمیان](#)" توهین کردند، نیست. نگارنده این تحلیل را به زبان انگلیسی منتشر خواهد کرد. در این مقاله فقط به دو ادعای آقای نتانیا هو پاسخ داده خواهد شد، و بعد در باره نتایج این سخنرانی بحث خواهد شد.

دروغ بزرگ ۲۳ ساله: ایران بزودی دارای سلاح هسته‌ای خواهد بود

یک ادعای جناح افراطی اسرائیل همیشه این بوده است که ایران "بزودی" دارای سلاح هسته‌ای خواهد بود. [در یک مقاله انگلیسی](#) نگارنده تمامی این "پیش بینی ها" از سال ۱۹۸۴ را با ذکر منابع آن منتشر کرد. بعد از انتشار مقاله نگارنده [لیست دیگری](#) از این "پیش بینی ها" توسط دیگران نیز منتشر شد. ولی موضوعی که در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، "پیش بینی های" خود آقای نتانیا هو در اینبار است، چون ایشان همین ادعا را در سخنرانی ۳ مارس در کنگره تکرار کردند.

اساساً آقای نتانیا هو به حقیقت کاری ندارد. دروغ می‌گوید و جعل می‌کند تا سیاست خود را پیش برد. کار او پیش بینی بر اساس واقعیت‌ها نیست، کار او و جناح افراطی اسرائیل ساختن مدارک جعلی و پخش آن از راه های گوناگون، خصوصاً بوسیله سازمان خائن مجاهدین خلق است. آقای نتانیا هو عاشق حمله به ایران و دیگر کشورهای منطقه است. منتها این کار را آمریکا و متحدانش باید برای او انجام دهند. به همین دلیل ۲۳ سال است که برای ایران بمب اتمی می‌سازد، یعنی همان چیزی که کشور خودش به طور غیر قانونی دارای صدها عدد از آن است و تحت هیچ گونه نظارت بین المللی هم قرار ندارد.

در سال ۱۹۹۲ آقای نتانیا هو عضو پارلمان اسرائیل بود، کنست، بود. ایشان در [آن زمان به دروغ گفت](#) که ایران فقط "سه تا پنج سال" با بمب هسته‌ای فاصله دارد. [ایشان اعلام کردند](#) که این "تهدید" باید توسط جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا از میان برود.

سال بعد در ماه فوریه ۱۹۹۳ [در یک مقاله در روزنامه پدیوت اهارنوت آقای نتانیا هو چنین نوشت](#)، "بزرگترین خطر برای موجودیت اسرائیل کشورهای عربی نیستند، بلکه ایران است. حاکمان ایران بارها گفته‌اند که آنها بمب اسلامی هسته‌ای را خواهند داشت، و اولین هدف آنها اسرائیل خواهد بود. ایران بمب هسته‌ای را تا سال ۱۹۹۹ خواهد داشت،" یعنی ۱۶ سال پیش. صرف نظر از اینکه هیچ رهبر یا مقام جمهوری اسلامی چنین حرفی را در هیچ زمانی نزده است، و بنا بر این آقای نتانیا هو بطور واضح دروغ گفت، هنوز هیچ بمب هسته‌ای ایرانی در افق نیست.

در کتاب خود، "[جنگ با تروریسم](#)" که در سال ۱۹۹۵ منتشر شد، آقای نتانیا هو دوباره ادعا کرد که ایران "سه تا پنج سال" با ساختن بمب هسته‌ای فاصله دارد، بدون اینکه به پیش بینی قبلی خود که در حال منقضی شدن بود اشاره‌ای کند. آقای نتانیا هو با تکرار دروغ می‌کوشد تا آنها را جا بیندازد.

در سال ۱۹۹۶ آقای نتانیا هو، که نخست وزیر اسرائیل بود، در جلسه مشترک مجلس نمایندگان و سنای [آمریکا اعلام کرد](#)، "اگر ایران سلاح هسته‌ای بدست آورد، این مقدمه نتایج فاجعه باری خواهد بود که نه

تنها برای کشور من و خاور میانه، بلکه برای تمامی بشریت اتفاق خواهد افتاد. زمان رسیدن به این هدف [بدست آوردن سلاح هسته‌ای] بسیار نزدیک است." نوزده سال بعد هنوز آن اتفاق "فاجعه بار" به وقوع نپیوسته است، اما در این مدت اشغالگری و جنایات جنگی اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینیان ادامه یافته است.

در همان سال ۱۹۹۶ مرکز مطالعات پیشرفته سیاسی و استراتژیک در اسرائیل گزارشی تحت عنوان "جدائی کامل: یک استراتژی نوین برای امن کردن منطقه" به نتانیاوو تسلیم کرد، که توسط نئوکان‌های آمریکا و جناح افراطی اسرائیل نوشته شده بود. گزارش پیشنهاد کرده بود که رژیم عراق سرنگون شود، و خاندان هاشمی که در کودتای ۱۹۵۸ سرنگون شده بود، ولی بخشی از آن در اردن حکومت میکرد و هنوز در قدرت است، به عراق باز گردد. گزارش ادعا کرد که در اینصورت، شیعه‌ها در عراق، ایران و لبنان به سمت خاندان هاشمی خواهند رفت، چون اینها ادعا میکنند که از همان خاندان آل هاشم که پیامبر اسلام به آن تعلق داشت هستند، که نشان میدهد که نویسندگان گزارش چقدر نسبت به موضوع بی اطلاع هستند. سه نفر از نویسندگان گزارش ریچارد پرل، داگلاس فایت، و دیوید ورمزر بودند که در هجوم به عراق نقش مهمی داشتند. مقصود از "جدائی کامل" جدائی از سیاست تحریم اقتصادی عراق و روی آوردن به سیاست حمله نظامی بود. شاید ذکر این نکته جالب باشد که آقای فایت، یکی از سر سخت‌ترین صهیونیست‌ها و فرد سوم پنتاگون در زمان آقای جورج بوش، از تهدید پرزیدنت اوباما به حمله به سوریه نیز حمایت کرد.

در ۲۶ ژانویه ۱۹۹۸ یک نامه با امضای هجده نئوکان متشخص آمریکا و دیگران توسط سازمانی به نام پروژه برای قرن نوین آمریکا به پرزیدنت بیل کلینتون فرستاده شد. این سازمان نئوکان توسط ویلیام کریستول و رابرت کیگان بنیان گذاری شده بود، که هر دو از حامیان سر سخت اسرائیل هستند. کریستول، که به لنین کوچک معروف است، سر دبیر ویکی استاندارد، بلندگوی نئوکان‌ها است که در حال حاضر برای حمله نظامی به ایران سخت مشغول فعالیت است. نامه اعلام کرد که سیاست مهار عراق شکست خورده، و آمریکا باید سیاست رسمی خود را تغییر رژیم در عراق اعلام کند. همین گروه در دروغ گویی در مورد عراق و سلاح‌های کشتار جمعی خیالی آن شرکت داشتند و نقش مهمی در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ برای متقاعد کردن مردم برای حمله به عراق ایفا کردند. سپس کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد، و پرزیدنت کلینتون آنرا در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۸ امضا کرد، که اعلام کرد سیاست رسمی آمریکا تغییر رژیم در عراق است. واضح است که تنها کشوری که از نابودی ارتش‌های عراق، سوریه و لیبی سود می برد اسرائیل است.

به دلیل توجه حامیان امریکایی جناح افراطی اسرائیل به عراق، از بعد از سخنرانی ۱۹۹۶ خود در آمریکا تا سال ۲۰۰۲، آقای نتانیاوو نیز بر عراق تمرکز داشت و همصدا با نئوکان‌های آمریکا خواهان سرنگونی رژیم صدام حسین بود. همین موضوع منجر به ادعای ایشان در سنای آمریکا در سال ۲۰۰۲ شد که در بالا ذکر شد. بعد از سقوط رژیم صدام حسین، آقای نتانیاوو، بدون کوچک‌ترین توجهی به نتایج هجوم غیر قانونی و فاجعه بار آمریکا و بریتانیا به عراق -- دستکم حدود دویست هزار نفر، و احتمالاً نزدیک به یک و نیم میلیون عراقی کشته شده، و دستکم حدود ۲،۲ تریلیون و احتمالاً حدود ۳ تریلیون دلار تا بحال هزینه شده است -- بار دیگر کارزار تبلیغاتی خود را بر ایران متمرکز کرد.

با این وجود در همان سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ آقای نتانیاوو از ایران هم غافل نبود. در یک مصاحبه با بی بی سی در نوامبر ۱۹۹۷، آقای نتانیاوو ادعا کرد که ایران بزودی دارای سلاح هسته‌ای و موشک‌های

بالیستیک خواهد بود که هدف نهایی آنها حمله به سواحل شرقی آمریکا است. هدف آقای نتانیا هو از این دروغ های بزرگ بکار گرفتن دولت آمریکا به عنوان یک پیمانکار است که جناح افراطی اسرائیل را به هدف خود، یعنی حفظ هژمانی اسرائیل در منطقه برساند. در اینراه بخشی از کنگره آمریکا نیز دقیقاً مانند پیمانکار آقای نتانیا هو عمل می کند.

بر طبق [یک سند وزارت خارجه آمریکا](#) که توسط ویکیلیکس منتشر شد، در سال ۲۰۰۹ زمانی که آقای نتانیا هو سرگرم مبارزات انتخاباتی برای نخست وزیر شدن بود، به یک هیئت نمایندگی از کنگره آمریکا گفت که ایران احتمالاً "یک یا دو سال با ساختن بمب فاصله دارد." [سند دیگر وزارت خارجه آمریکا](#)، که آنهم توسط ویکیلیکس منتشر شد، نشان میدهد که در سال ۲۰۰۹ بعد از آنکه آقای نتانیا هو نخست وزیر شد، به یک هیئت سیاستمداران امریکایی در بیت المقدس گفت که "ایران در حال حاضر توانائی ساختن یک بمب [هسته ای] در سال را دارد،" ولی "ممکن است که صبر کند تا بتواند چندین بمب تا یک و یا دو سال دیگر بسازد،" که البته این بمب ها هنوز ساخته نشده اند.

در یک مصاحبه با آقای جفری گلدبرگ، روزنامه نگار مجله و وبسایت آتلانتیک در ماه مارس ۲۰۰۹، [آقای نتانیا هو گفت](#) که "فرقه ای که به آخر زمان [از طریق جنگ و آشوب] معتقد است نباید سلاح هسته ای را کنترل کند، ولی این در حال اتفاق افتادن در ایران است،" که البته هنوز به وقوع ناپیوسته است.

در ماه مه ۲۰۱۲ [آقای نتانیا هو ادعا کرد](#) که ایران "فقط چند ماه تا توانائی برای ساخت سلاح هسته ای فاصله دارد." در سپتامبر همان سال آقای نتانیا هو آن سخنرانی معروف را در مجمع عمومی سازمان ملل کرد و [آن دیباگرام معروف](#) را در باره نزدیکی ایران به سلاح هسته ای نشان داد که بسیار مورد تمسخر قرار گرفت.

در همان سخنرانی معروف در سازمان ملل آقای نتانیا هو پیش بینی کرد که ایران تا تابستان ۲۰۱۳ دارای سلاح هسته ای خواهد بود. نه تنها این پیش بینی مانند دیگر پیش بینی های ایشان غلط بود، در ۲۳ فوریه وبسایت [الجزیره اسناد سرّی را منتشر کرد](#) که نشان میداد در زمان همان سخنرانی، موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل، به این نتیجه رسیده بود که جمهوری اسلامی مشغول تولید سلاح های هسته ای نیست. آقای نتانیا هو، مثل همیشه، دروغ گفته بود.

بخاطر داشته باشیم که در سال ۲۰۰۲ هم آقای نتانیا هو در همان شهادت خود در کنگره آمریکا، که در بالا بدان اشاره شد، ادعا کرد که "بدون شک عراق مشغول تلاش برای ساخت سلاح هسته ای است." همه سیاستمداران دروغ می گویند، ولی هیچ کس به اندازه آقای نتانیا هو دروغ نگفته است، بطوری که حتی آقای [نیکلاس سرکوزی رئیس جمهور راستگرای سابق فرانسه](#) و پشتیبان اسرائیل او را دروغ گویی خواند که آقای سرکوزی تابع تحمل ایشان را نداشت.

همانطور که ملاحظه میشود، رهبران اسرائیل برای سی سال و شخص آقای نتانیا هو برای نزدیک به بیست و سه سال مشغول دروغ گویی ماکیاولی بوده اند که "ایران تا ساخت سلاح هسته ای فاصله بسیار کمی دارد،" ولی هنوز هیچ اثری از این بمب نیست. حال که لیبی، عراق، و سوریه، سه کشور قدرتمند عربی توسط غرب و متحدان ارتجاعی آن در منطقه، یعنی عربستان سعودی، شیخ نشین های عرب خلیج فارس، و اردن و ترکیه، یا نابود شده اند و یا در حال نابودی هستند، آقای نتانیا هو با دروغ گویی در باره ایران رویای حمله نظامی به ایران، آنهم توسط آمریکا را دارد.

می دانیم که "پیش بینی" کار دانشمندان و محققان است. "پیش گویی و غیب گویی" کار پیامبران است. "دروغ گویی" کار شیادان است. ولی وقتی هدف دروغ گویی نابودی دیگران و کشته شدن صدها هزار انسان باشد، دروغگو "جنایتکار" است. خوانندگان گرامی خود قضاوت کنند آقای نتانیاهاو به کدام یک از این سه گروه تعلق دارد، صرف نظر از این که در حملات اخیر اسرائیل به نوار غزه دستکم ۴۴۸ کودک فلسطینی کشته شدند که سازمان‌های معتبر بین‌المللی حقوق بشری و سازمان ملل مشغول تحقیق در باره آن هستند، و پیش بینی شده است که اگر محاصره غزه توسط اسرائیل ادامه یابد، باز سازی غزه ۱۰۰ سال طول خواهد کشید.

ازدواج سلاح هسته‌ای با اسلام رادیکال

ادعای دیگر آقای نتانیاهاو در سخنان خود این بود که "ازدواج" سلاح هسته‌ای و اسلام رادیکال برای جهان خطرناک است. نگارنده با این صحبت آقای نتانیاهاو موافق است، ولی ایشان هنوز قصه سرایی میکنند. چرا؟

اول، سلاح هسته‌ای برای جهان خطرناک است، چه در دست اسلامی‌های رادیکال باشد، چه در کنترل غرب متمدن، و چه در دست اسرائیل، یعنی کشوری که آقای نتانیاهاو اصرار دارد که فلسطینیان آنرا بعنوان "کشور یهودی اسرائیل" به رسمیت بشناسد. اگر دین این همه خطرناک است، چرا آقای نتانیاهاو پذیرش اسرائیل به عنوان "دولت یهودی" را به مهمترین شرط صلح با فلسطینی‌ها تبدیل کرده است؟ اگر یهودی ستیزی بد است -- که بسیار بد، تنفر انگیز و غیر انسانی است -- چرا اسلام ستیزی خوب است، آنهم در حالیکه ۱,۵ میلیارد مسلمان در جهان زندگی میکنند، که اکثریت قریب به اتفاق آنها مردمانی صلح جو هستند و مانند بقیه دنیا میخواهند در صلح زندگی کنند؟ هفتاد سال بعد از اختراع بمب هسته‌ای هنوز تنها کشوری که آنرا مورد استفاده قرار داده است آمریکا است، و هنوز مردم ژاپن در حال پرداخت بهای آن هستند، در حالیکه هیچ احتیاجی به استفاده از بمب هسته‌ای در جنگ با ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم نبود.

دوم، آنچه که این ازدواج را خطرناک میسازد نگاه ایدئولوژیک دارندگان آن است، نه اینکه مسلمان هستند یا نیستند. ولی مگر گروه‌های تندرو در اسرائیل وجود ندارند که همین نگاه را دارند؟ مگر در غرب، بخصوص در آمریکا جناح‌هایی وجود ندارند که معتقد هستند که آمریکا پلیس جهان است و باید آنرا کنترل کند؟ مگر آقای شلدون ادلسن، میلیاردر حامی اسرائیل پیشنهاد نکرد که یک بمب هسته‌ای در کویر مرکزی ایران انداخته شود و به رهبران جمهوری اسلامی پیام داده شود که بمب بعدی در تهران انداخته خواهد شد؟

سوم، ازدواج بین سلاح هسته‌ای و اسلام رادیکال سال‌ها پیش صورت گرفت، منتها چون اسلامی‌های رادیکال که این سلاح‌ها را دارند متحدان آمریکا هستند که با اسرائیل نیز روابط سیاسی دارند، موضوع مسکوت گذاشته میشود. این اسلامی‌های رادیکال در پاکستان هستند که ارتش و نیروهای جاسوسی آن مملو از اسلامی‌های رادیکال هستند، از طالبان و القاعده حمایت کرده‌اند، و سال‌هاست شیعه کسی در پاکستان براه انداخته اند. به نظر نگارنده بزرگترین خطر برای امنیت ملی ایران اسرائیل نیست، بلکه پاکستان و گروه‌های سنی رادیکال هستند.

پس راه حال واقعی خلع سلاح هسته‌ای است، که قولی است که کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در آغاز معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای در ۱۹۶۷ به کشورهای غیر هسته‌ای دادند، ولی هنوز بدان عمل نکرده‌اند.

کنگره آمریکا و لابی اسرائیل

تهوع آورترین جنبه سخنانی آقای نتانیاهو استقبال نمایندگان و سناتورهای حاضر در سخنرانی بود. آقای نتانیاهو دروغ گفت و اغراق کرد، و بعد از هر دروغ یا اغراق با دست زدن‌های طولانی تشویق شد، و این در حالی است که بسیاری از این آقایان و خانم‌ها حتی قادر نیستند که کلمه "ایران" را درست تلفظ کنند و آنرا "آیرن" مینامند. چرا اینکار را میکنند؟ فقط بخاطر اینکه مورد حمایت لابی اسرائیل قرار گرفته و در انتخابات بعدی کمک مالی دریافت کنند. به چند نمونه توجه کنید که در یک [مقاله انگلیسی اخیر نگارنده](#) ذکر شد.

در پایان سفر خود به اسرائیل در ماه دسامبر گذشته، آقای لیندسی گراهام، سناتور جمهوری خواه کارولینای جنوبی به آقای نتانیاهو [در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت](#)، "من اینجا آمده‌ام تا به شما، آقای نخست وزیر، بگویم که کنگره [آمریکا] بدنبال رهبری شما در باره این موضوع [مخالفت بر مذاکرات هسته‌ای با ایران] خواهد بود." ایشان با اینکار عملاً از آقای نتانیاهو می‌خواهند که هدایت سیاست آمریکا در خاور میانه را در دست گیرند. همین سناتور در سال ۲۰۱۰ خواهان حمله نظامی نه فقط به تاسیسات هسته‌ای ایران، بلکه به گل ایران شد ["تا ایران خنثی شود"](#) و قادر با حمله متقابل نباشد. برای خوش خدمتی خود آقای گراهام ۲۸۸،۱۵۰ دلار [از گروه‌های طرفدار اسرائیل در انتخابات آخر خود کمک دریافت کرد](#).

سناتور مارک کرک، سناتور جمهوری خواه ایالت ایلینویز، [گفته است](#)، "من خود را وقف بقای اسرائیل در قرن بیست و یکم کرده‌ام. دلیل شرکت من در انتخابات سنا [در سال ۲۰۱۰] همین بود. همه این بخاطر این نبرد است." به عبارت دیگر، آقای کرک برای این سناتور نشدند که از منافع ملی واقعی آمریکا، و یا حتی از منافع مشترک واقعی آمریکا و اسرائیل دفاع کنند، بلکه بخاطر بقای اسرائیل اینکار را کرده‌اند. زمانی که یک رادیو شیکاگو از ایشان پرسید که "آیا هدف تحریم‌های آمریکا دولت ایران است، و یا کشیدن غذا از دهان مردم ایران،" [ایشان پاسخ دادند](#)، "اشکالی ندارد که غذا را از شهروندان کشوری دریغ کنیم که دولت آن مشغول نقشه ریزی برای حملات مستقیم به خاک آمریکا است." بخاطر داشته باشیم که همین‌گونه استدلال در باره عراق در دهه ۱۹۹۰ [باعث مرگ دستکم ۵۷۶،۰۰۰ کودک و نوجوان عراقی شد](#).

سناتور کرک به همراه سناتور رابرت مننڈز، دمکرات ایالت نیوجرسی، مهمترین عوامل تصویب قوانین تحریم بر ضد مردم ایران است، و بخاطر این خوش خدمتی لقب ["طفل یک میلیون دلاری ایبک"](#)، لابی اسرائیل، لقب گرفته است، چون چیزی در حدود این مبلغ برای انتخاب خود دریافت کرده است.

سناتور مننڈز، که [طرفدار سازمان مجاهدین است](#) و از آن مبلغ بزرگی برای انتخاب خود دریافت کرده است، [لاف زده است](#) که تحریم‌های آمریکا که ایشان و آقای کرک پیشرو آن بودند "کمر شکن‌ترین تحریم‌ها در تاریخ بوده‌اند." ایشان بخاطر خوش خدمتی خود [مبلغ ۳۴۰،۱۷۱ دلار](#) از گروه‌های حامی اسرائیل برای انتخاب خود کمک دریافت کرده‌اند. [این مقاله را مطالعه کنید](#) تا ببینید که چگونه مجاهدین در

کنگره آمریکا لابی کردند تا از لیست سازمان‌های تروریستی حذف شوند، همان‌هایی که همه مخالفان خود را "لابی جمهوری اسلامی" مینامند.

سناتور جان مکین، سناتور جمهوری خواه از آریزونا و [جنگ طلب معروف سنای آمریکا](#)، همان کسی که [خواهان بمباران ایران بوده است](#)، مبلغ ۹۷۴،۱۰۹ دلار از [گروه‌های طرفدار اسرائیل](#) برای انتخاب آخر خود دریافت کرد، و [از حضور آقای نتانیاهو در کنگره نیز دفاع کرد](#).

اینها مشت نمونه خروار هستند. برای لیست کامل کمک‌های مالی گروه‌های حامی اسرائیل از نمایندگان کنگره و سناتورها [اینجا را ببینید](#).

حفظ هژمانی نه خطر برای امنیت ملی

شش سال پیش [نگارنده در یک مقاله انگلیسی](#) دلایل "ترس" آقای نتانیاهو از ایران را مورد تحلیل قرار داد. به عقیده نگارنده آنچه که آقای نتانیاهو از آن وحشت دارد سلاح هسته‌ای خیالی، و حتی واقعی جمهوری اسلامی نیست، چرا که رهبران نظامی و جاسوسی اسرائیل بارها گفته‌اند که حتی اگر ایران مجهز به سلاح هسته‌ای شود، اسرائیل [با دستکم ۸۰ کلاهک هسته‌ای](#)، موشک‌های مدرن و سه زیردریایی [مجهز به موشک‌های هسته‌ای](#) قادر خواهد بود ایران را چندین بار ویران کند. در آن مقاله نگارنده دلایل "وحشت" آقای نتانیاهو را به شرح زیر توضیح داد.

اول، ایرانی که مجهز به نیروی بازدارنده برای حمله به‌خود باشد، غیر قابل حمله خواهد بود.

دوم، اگر ایران غیر قابل حمله شود، هژمانی اسرائیل در منطقه از میان خواهد رفت.

سوم، در صورت از میان رفتن هژمانی، بخش بزرگی از نخبگان علمی و تکنولوژیکی اسرائیل به کشورهای دیگر مهاجرت خواهند کرد. یک دوست اسرائیلی نگارنده که در اسرائیل استاد دانشگاه است سال‌ها پیش به نگارنده گفت که دستکم یک چهارم استادان و نخبگان اسرائیل همیشه در شرایطی خود را قرار داده‌اند که قادر باشند در هر لحظه که بخواهند، از اسرائیل مهاجرت کنند.

چهارم، اگر چنین مهاجرتی در میان نخبگان صورت گیرد، حیات اسرائیل در دراز مدت قابل تضمین نیست، چرا که مهمترین دلیل تفوق نظامی اسرائیل در منطقه سطح بالای علمی و تکنولوژیکی آن کشور است.

پنجم، در صورت توافق بین ایران و آمریکا، اسرائیل اهمیت استراتژیک خود برای آمریکا را به تدریج از دست خواهد داد. اسرائیل از لحاظ جمعیت، وسعت، جایگاه استراتژیک در منطقه، منابع طبیعی، و نفوذ فرهنگی و سیاسی قادر به رقابت با ایران نیست، بخصوص آنکه ایرانیان عموماً طرفدار غرب و آمریکا هستند، ولی نمی‌خواهند که آنها در امور داخلی کشور دخالت کنند.

ششم، بنا بر این، حفظ هژمانی اسرائیل در منطقه و جلوگیری از عادی شدن روابط بین ایران و آمریکا دو مساله اصلی آقای نتانیاهو و جناح تندرو اسرائیل است، نه سلاح هسته‌ای که ایران ندارد، و حتی اگر داشته باشد، خطر حیاتی برای اسرائیل نخواهد بود.

متحدان و حامیان جنگ طلبی آقای نتانياهو

زبانی که آقای نتانياهو در سخنان خود در کنگره بکار برد دقیقاً همان زبانی بود که نتوکانها در سال ۲۰۰۲ در باره عراق بکار بردند. اگر در نطقهای آن زمان نتوکانها عراق را با ایران جایگزین کنیم، به سخنان آقای نتانياهو میرسیم، و همان دروغها: "عراق [ایران] در تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای است. عراق [ایران] با القاعده [با داعش] در ارتباط است. القاعده [ایران] می‌خواهد خلافت [امپراطوری] اسلامی در سراسر جهان ایجاد کند،" و الی آخر.

از نظر نگارنده هیچگونه شکی در باره اینکه آقای نتانياهو خواهان جنگ با ایران است، آنهم جنگی که ایشان مایل است آمریکا برای ایشان انجام دهد، وجود ندارد. وقتی که ایشان از صبر برای "توافق بهتر" در کنگره سخن گفتند، مقصود ایشان یا تسلیم کامل جمهوری اسلامی، و یا سرنگونی آن از طریق حمله نظامی بود. این "توافق بهتر" نیست، جنگ طلبی است. چگونه می‌توان از هر گونه رژیم انتظار تسلیم شدن در باره موضوعی با این اهمیت شد، آنهم بدون آنکه کوچکترین امتیازی داده شود؟ همانطور که آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا در پاسخ آقای نتانياهو گفتند، "[مطالبه تسلیم شدن از ایران راه حل نیست](#)،" چون به جنگ منتهی خواهد شد.

ولی آقای نتانياهو حتی به این هم قانع نبود. ایشان در سخنان خود خواهان ادامه تحریمها، حتی اگر ایران برنامه هسته‌ای خود را کنار گذارد، شدند، تا ایران کاملاً خلع سلاح شود و دارای هیچگونه توانائی برای دفاع از خود نباشد. اگر این جنگ طلبی نیست، پس چه چیزی جنگ طلبی است؟

فرض کنیم که در پنج تا ده سال آینده مردم داخل ایران بتوانند یک نظام سیاسی دمکراتیک در ایران برپا کنند، و حتی فرض کنیم که این نظام دمکراتیک تصمیم به برچینی غنی سازی اورانیوم در ایران بگیرد. پرسش این است: تا آن زمان چه باید کرد؟ آیا تحریمهای کمر شکن باید نه تنها ادامه یابند، بلکه حتی سنگین تر هم بشوند، آنطور که لابی‌های اسرائیل و عربستان و متحدان آنها میخواهند؟ این در حالیست که همانطور که نگارنده [در یک مقاله انگلیسی اخیر تشریح کرد](#)، دولت آقای حسن روحانی تمامی امتیازات لازم را برای رسیدن به توافق داده است.

آقای نتانياهو دارای متحدان و حامیان نیز هست. حامیان ایشان و جناح جنگ طلب اسرائیل در آمریکا که شناخته شده هستند. لابی رژیم عقب افتاده و ارتجاعی عربستان سعودی نیز در اینکار متحد اسرائیل است. [گزارشات معتبری وجود دارد](#) که بر طبق آن عربستان به اسرائیل برای حمله به ایران پیشنهاد کمک داده است. این در حالی است که برخی از ایرانیان مقیم اروپا که از کیسه عربستان مشغول تغذیه هستند، چنان سنگ این رژیم عقب افتاده را به سینه میزنند که گویی در باره دمکراتیکترین رژیم جهان صحبت میکنند. این آقایان البته همانهایی هستند که در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، در شب آغاز حمله آمریکا به عراق، فریاد شادی برای "آزادی" عراق برآوردند و آرزو کردند که چنین روزی ["آزادی" از طریق حمله نظامی غرب] برای ایران نیز فرا رسد. البته نتایج آن آزادی را هم مشاهده می‌کنیم. زمانیکه نگارنده در باره این نتایج به بحث با یکی از این آقایان در یک برنامه تلویزیونی پرداخت، ایشان اعلام کرد که عراق در عوض دارای ۲۷۵ روزنامه، مجله و ایستگاه رادیویی است. خوانندگان گرامی خود قضاوت کنند.

در میان اپوزیسیون ایران در خارج از کشور نیز آقای نتانياهو طرفدار دارد. وبسایت‌های زرد، که انواع و اقسام بودجه‌های کلان را دریافت میکنند و تنها وظیفه خود را فحاشی به مخالفان تحریم و جنگ، و

روشنفکران مذهبی که تلاش دارند غبار ارتجاع و خشونت را از چهره اسلام پاک کنند، میدانند نیز متحد آقای نتانياهو و جنگ طلبی ایشان هستند. گزارش‌های آنها کاملاً یک طرفه است. به عنوان مثال [اینجا](#) و [اینجا](#) را ببینید. طرفداران تحریم، فشار، و دخالت به اصطلاح بشر دوستانه، همان‌هاییکه ادعا کردند که "جمهوری اسلامی حتی بدون سلاح هسته‌ای خطری برای صلح جهانی است" -- در حالیکه تنها خطر جمهوری اسلامی برای آزادی و کرامت مردم ایران است -- و به دروغ اعلام کردند که بیانیه جنگ طلبانه آنها در باره برنامه هسته‌ای ایران "به تأیید اصلاح طلبان داخل کشور نیز رسیده" نیز نگران توافق هسته‌ای هستند. نگارنده در باره این بخش از هموطنان مقالات مفصلی منتشر کرده است، و نیازی به تکرار آنها نیست.

این بخش از اپوزیسیون دیگر دارای هیچگونه اعتبار و ابروی سیاسی نیست. آنها عملاً تبدیل به مشاطه گران جناح افراطی اسرائیل و رژیم مرتجع عربستان سعودی شده‌اند، و این خفت تا ابد برای آنان باقی خواهد ماند. به العربیه فارسی، بلندگوی رژیم عربستان، نگاه کنید که مقاله‌های چه کسانی را منتشر می‌کند. متقابلاً به برخی وبسایت‌ها و تلویزیون‌های زرد لوس آنجلس نگاهی بیندازید تا ببینید که چگونه به بلندگوی آقای نتانياهو و عربستان تبدیل شده‌اند.

یکی از این وبسایت‌های زرد نه تنها از مواضع آقای نتانياهو و عربستان مستقیم و غیر مستقیم دفاع می‌کند، بلکه دائماً به اصلاح طلبان مملکت، که بر خلاف مدیر وبسایت در کشور باقی مانده‌اند و در حد توان خود برای کشور و مردم کوشش میکنند و شجاعانه هزینه آنرا با زندانی شدن میپردازند، حمله می‌کند، و برای آنها و رهبران آنها، از آقای محمد خاتمی گرفته تا بقیه پرونده سازی می‌کند. این وبسایت زرد که سالانه فقط نیم میلیون دلار از یک کشور که موضعی بسیار خصمانه با مردم ایران دارد و از تحریم‌های اقتصادی شدیداً حمایت می‌کند، پول دریافت می‌کند، در نهایت وقاحت می‌پرسد که فلان گروه ایرانی، که تمامی فعالیت‌های آن بر طبق قوانین سیاسی و مالیاتی آمریکا روشن است و مدارک آن در دسترس همه، و یک آگهی در روزنامه نیو یورک تایمز در انتقاد از آقایان نتانياهو و بینر منتشر کرد، هزینه آنرا چگونه تامین می‌کند.

آن وبسایت زرد دیگر که برای یک "برنامه" تلویزیونی حدود یک و نیم میلیون دلار بودجه برای یکسال از طریق یک بنیان غیر انتفاعی در بوستون دریافت کرده است، به محلی برای اسلام -- و مسلمان-ستیزی و دفاع از جنگ طلبی آقای نتانياهو تبدیل شده است. آن دیگری در اروپا که تمامی فعالیت‌های ایشان با بودجه‌های مستقیم و غیر مستقیم عربستان سعودی تامین میشود، به بلندگوی فارسی زبان این رژیم ارتجاعی که مهمترین نقش را در آغاز و شدت بخشیدن جنگ‌های سکتاریستی در خاور میانه را داشته است، تبدیل شده است. آقایان، همانطور که امام حسین فرمودند، "اگر ایمان ندارید، لا عقل آزاده باشید".

در نتیجه یک ائتلاف نانوشته بین جناح افراطی اسرائیل و حامیان آن در آمریکا، لابی عربستان سعودی، تندروهای تهران که "دلواپس" توافق هسته‌ای هستند، و "دلواپسان" ایرانی خارج از کشور که آنها نیز نگران توافق هسته‌ای هستند، وجود دارد. همه آنها دارای یک هدف مشترک، ولی به دلایل گوناگون هستند: شکست مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ و بازگشت اوضاع به حالت نه جنگ، نه صلح، و ادامه تحریم‌ها.

کلام پایانی

جناح افراطی اسرائیل به رهبری آقای بنیامین نتانیاہو خواهان جنگ با ایران است. این در حالی است که حتی در داخل خود اسرائیل بسیاری از مقامات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی مخالف اغراق‌های بی نظیر، دروغ‌های بزرگ، و جنگ طلبی آقای نتانیاہو هستند، و نه تنها معتقد هستند که جمهوری اسلامی در حال تلاش برای تولید سلاح هسته‌ای نیست، بلکه رهبران جمهوری اسلامی عملگرا و منطقی هستند و حتی در صورت تولید سلاح هسته‌ای مرتکب دیوانگی و جنایت حمله به کشور دیگری مانند اسرائیل نخواهند شد. روز قبل از سفر آقای نتانیاہو به آمریکا ۱۸۰ افسر ارشد بازنشسته نیروهای مسلح اسرائیل در بیانیه‌ای از ایشان خواستند که سفر خود را لغو کند، و همانطور که در بالا بدان اشاره شد، موساد نیز معتقد است که ایران برای تولید جنگ افزار هسته‌ای تلاش نمی‌کند.

در پایان دسامبر سال ۲۰۱۱، آقای تمیر پردو، رئیس کنونی موساد به سفرای اسرائیل در کشورهای جهان گفت که ایرانی که مسلح به سلاح هسته‌ای باشد لزوماً تهدیدی برای موجودیت اسرائیل نیست. رئیس موساد قبل از پردو، یعنی آقای مایر داگان در سال ۲۰۱۲ گفت که حیات اسرائیل توسط ایران مورد تهدید نیست. ماه گذشته رئیس قبلی دیگر موساد، آقای افریم هالوی، شدیدا از آقای نتانیاہو انتقاد کرد و گفت که ادعای آقای نتانیاہو در باره اینکه ایران خطری حیاتی برای اسرائیل است اشتباه است. آقای داگان سخنانی آقای نتانیاہو در کنگره آمریکا را "بلشت" نامید.

به نظر نگارنده، اپوزیسیون واقعی ایران دوست باید از مذاکرات هسته‌ای حمایت کرده، به برنامه بلند پروازانه هسته‌ای تندروها در تهران و جنگ طلبی آقای نتانیاہو انتقاد کرده، برای مردم در ایران در باره تندروها و آقای نتانیاہو روشنگری کرده، و به جای شعارهای پوپولیستی بدون بنیان از حقوق حقه کشور در چهار چوب قرار دادهای بین‌المللی، ضمن مخالفت با رژیم ولایت فقیه، انتقاد از آن و روشنگری در باره آن، حمایت کند. مخالفت با تندروها و دیکتاتوری مذهبی در تهران، که نگارنده خود را بخشی از مخالفین میدانم، هیچگونه تناقضی با حمایت از حقوق مشروع ایران ندارد.

نگارنده از خوانندگان گرامی دعوت می‌کند که برای دریافت آخرین خبرها و تحلیل‌ها در باره ایران و بقیه خاور میانه، هم به فارسی و هم به انگلیسی، از وبسایت او، اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه بازدید کنند، و مصاحبه‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی او را در اینجا تماشا کنند.